



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

تامل کله نوانه صوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - بیروت مشروح مذاکرات مجلس - اخبار مجلس - انصابت - آکمی های رسمی و قانونی

سال دهم

۵ شهریور ۲۰ خردادماه ۱۳۳۳

شماره ۴۷۱۶

شماره مسلسل ۲۰

دوره هجدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۲۰

صورت مشروح مذاکرات مجلس روزیک شنبه
شاز دهم خردادماه ۱۳۳۳

فهرست مطالب

- ۱- تصویب صورت مجلس
 - ۲- بیانات قبل از دستور آقایان: مهندس شاهرخشاهی، بوربور، دکتر شاهکار، دکتر سید امامی، نورالدین امامی
 - ۳- تقدیم یک فقره سؤال از طرف آقای قنات آبادی
 - ۴- اجرای مراسم تعلیف بوسیله آقای ارباب کیو
 - ۵- مطرح سؤال آقای میراشرافی راجع بحریق کربک و جواب آقای وزیر دارائی
 - ۶- تقدیم یک فقره لایحه بوسیله آقای معاون نخست وزیر
 - ۷- بقیه مذاکره در لایحه مرجع رسیدگی بجرائم سارقین مسلح
 - ۸- تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه
- مجلس ساعت دو پنج دقیقه صبح بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

(۱. تصویب صورت مجلس)

رئیس - صورت غائبین جلسه قبل قرائت میشود

(شرح زیر قرائت شد)

غائبین با اجازه آقایان: برومند، مکرّم، صدرزاده، سلطان‌الملک، فرید، اراک، سرمد، سنندجی، عبدالعزیز بختیار، غائبین بی اجازه آقایان: کی‌زاد، دکتر آشاره، سلطانی، بورسری، که بور نشاء، زنگنه

دیر آمدگان و زود رفتگان با اجازه آقایان: لاری، ۳۰ دقیقه، احمد صفائی، ۳۰ دقیقه، دکتر یزینیا، ۳۰ دقیقه، دکتر سعید حکمت، یکساعت و سی دقیقه، عبیدی نوری

یکساعت و چهل و پنج دقیقه. بنا بر بوشهری دوساعت - نطق الاسلامی دوساعت
رئیس آقای مهدوی نسبت بصورت مجلس نظری دارید؟

سعید مهدوی - راجع آقایان کدیور اینجا نوشته غایب بدون اجازه بنده اطلاع دارم قبل از حرکتش روز تقاضای مرخصی کرده

رئیس - کی آقا؟
سعید مهدوی - آقای کدیور سعیدی - بنده تقدیم کردم
رئیس - بکسی و بیرون رفته در کمیسیون که تصویب شد آنوقت اصلاح میشود
مهندس اردبیلی
مهندس اردبیلی - مانور میکنم

اداره را در بود و اعتبار برای تنویر افکار عمومی ۲۰۰۰
رئیس - راجع بصورت مجلس بفرمائید

مهندس اردبیلی - بله و ایجاد راهنمایی مردم تشکیل شده ولی متأسفانه در وصل بیبیتیم همانطوریکه آقای دکتر بنیادرس گذشته تذکره دادند از راه را دیو برای خودش دولتی است و اساساً نطق نمایندگان را سبک و سنگین میکند و هر کدام مصلحت خودش است میگوید و هر کدام که مصلحت خودش نیست نمیگوید مخصوصاً تذکرات ریاست محترم هم اجرا نمیشود خواهش میکنم که ریاست محترم توجه بفرمائید جریان اداره را دیو برای مجلس روشن بفرمائید

عبدالرحمن فرامرزی - نوادمی گذارند که

شوشتری - دیگر نواز نمیگذارند و تعریف میکنند و بعضی مطالب را در روحانی خودش میگوید

رئیس - در جلسه است که نواز نیست برای اینکه تعمیراتی لازم دارد مجالته بدون نواز است آقای دکتر شاهکار

دکتر شاهکار - در صورت جلسه گذشته جناب آقای عبدالصاحب صفائی در دو قسمت از اظهارات بنده فرمایشاتی فرمودند که تهنیتی میکنم تذکرات بنده یادداشت بشود مرقوم فرمودند اصلاً پیشنهاد دکتر شاهکار بکلی نقض فرض است و به چه وجه هیچکس که بعنوان سرت مصلح در منزل قسمت اخیر فرمایشاتشان فرمودند در این جا صحبت شروع بارتکاب سرت است بنده خواستم خدمتشان عرض بکنم شروع به ارتکاب سرت جرم قابل مجازات است قانون مجازات عمومی هم همین مطلب را تذکر داده منظور بنده هم این بود این نقض فرضی نیست

رئیس - آقای بوشهری صادق بوشهری - بنده خواستم تذکر بدهم آقای نقابت را که غائب بدون اجازه نوشته اند ایشان مسافرت کرده اند به خرمشهر برای این حوادث اخیریه که در خرمشهر پیش آمده

رئیس - باید بنویسند هر کسی گرفتاری برای پیش میآید باید بنویسند تا اقدام شود. آقای عبدالصاحب صفائی

عبدالصاحب صفائی - یک مختصر افلاطونی در صورت مجلس در بیان بنده هست که تصحیح میکنم و ضمناً موضوعی را که آقای دکتر شاهکار فرمودند اگر بنده متوجه نشدم مطالب ایشان را مقدر می خواهم ولی در آن لایحه مقصود این است که شروع بارتکاب سرت مجازات دارد ولی مجازاتش چون کم است بوجه این لایحه خواسته شده است که مجازاتش تشدید شود

رئیس - آقای نورالدین امامی

نورالدین امامی - در عرض بنده در مطبعه اشتباهاتی شده است که اجازه بفرمائید اصلاح کنم بدهم بنده نویسی

رئیس - اصلاح بفرمائید. دیگر نظری نسبت بصورت مجلس نیست (اظهاری نشد)

صورت مجلس جلسه قبل تصویب شد

۲. بیانات قبل از دستور

آقایان: مهندس شاهرخشاهی
بوربور - دکتر سید امامی - دکتر شاهکار

نورالدین امامی

رئیس - چند نفر از آقایان تقاضای نطق قبل از دستور کرده اند. آقای مهندس شاهرخشاهی

مهندس شاهرخشاهی - چون مقدمم اگر چنانچه موضوعی در مجلس گفته شود که سکوت آن موجب ایجاد سوء تفاهاتی گردد یا حتی که ممدع او قاتل شریف همکاران عزیزم گردد

کافی خطرناک است، این شکاف شکافی است که ما را به پرتگاه نیستی عرواحه کشاند. سادته کارخانه بلور سازی بنی هاشمی یک موضوع غیرقابل پیش بینی بود (صحیح است) این میل قتل غیر عمد از طرف کارفرما است (صحیح است) که در دانش این تریبون من عرض میکنم از دولت جدا تقاضا دارم که حد استکبر تشدید در این قسمت صلی کند (صحیح است) (خراسی - کارخانجات باصول رفنی اداره می شوند در روز بعد نظر باید متعلیل میشد. مطابق قانون) دره ماه پیش وزارت کار اطلاع داده است به کارفرما که از آن یک دیگ بشارت از نظر حویاپ فنی اطمینان کار نمی کند و باو تکلیف کرده بودند که در ظرف یک هفته مکلفی که این دیگ را تعمیر بکند. آقای کارفرما موضوعی باین کار تسکین نمود رضائی - پس چرا درش را نیستند آقای دکتر شاهرخ (بند که دولت نیست) پس کارفرما تذکره دادند که مطابق ماده قانون حق ندارد اطفا بلی را که از ۱۳ سال منشا کتر باشد استخدام کنی آقایان از بین ۳۴۰ معظرف قانون کار ۹۰ نفر اطفا هیئت که مطابق تمام ذیاتی متدین حق استخدام ندارند، بچه های هفت که از ۱۲ سال کمتر دارند (صحیح است) یعنی آنوقت هائی که گاهما از آنها در میان با هزار ناز و نعت می بوسیم و بدرسه می فرستیم. حسین ۶ صبح باید بلندشود. ۶ صبح بچه ۷ ساله باید برود در مقابل دیگی که درجه حرارتش از زیر ذوب فولاد است کار بکنند هشت ساعت کار میکنند و از ۱۲ ریل تا حقوق می گیرند (یکنفر از نمایندگان که در اینجا ۵ ریل) یعنی جان خودشان را بر گردان نان آب و خیار می گذارند بده تلف می شود بیهوش یک گزارش داده میشود. ملک ملک گزارش است میگویند طبق تحقیقاتی که بعمل آمد جریان جریان کوچکتی بوده و بعد هم بعنوان فرزند از نظر آقایان می گذرد بند تقاضا میکنم از اینکه چند نکته قانونی را بدو تذکر بدهم اول دولت استعلام و تنا بکنیم گزارش نشدند، اول استعلام موضوع را تعقیب فرمایند که بجائی برسد اولاً مطابق ماده ۲۷ قانون بیمه های اجتماعی کارگران که متاسفانه قانون ناصبی است اگر کارفرما اطاعت نکرد مقررات قانون کار را و در نتیجه این قسمت حادثه ای رخ داد که کارگر صدمه دید سازمان بیمه اجتماعی کارگران مکلف است کلیه خسارت وارده را بپردازد از کارفرما بگیرد آقای فولادونه اگر سازمان بیمه های اجتماعی کارگران پول دارد از کارفرما بده حق بیمه این متولین و معصومین و بیمه و اگر ندارد با سازمان آن کارخانه توافق چندین خسارت در این اشخاص را میدهد (صحیح است) کارخانجات صاحب کارخانه

دستمی کشید) پس خود آقای خادمان نمی شناسم (خادمان - سید محمد بنی هاشمی) همچنین مطابق ماده ۷۸ قانون بیمه اجتماعی کارگران این آدم از نظر جزائی قابل تعقیب است آقایان بمیدانی مجازاتش چیست هزار ریل است ۵ هزار ریل. آقایان در یک ملکتی که توت فرنگی کیلویی ۴۰۰ ریل است جان یک فرزند در ریل ارزش دارد افلا این را صلی بکنید قانون میگوید هر مورد این موردش ۱۵۰۰ تا بود بیلاره ۲۱ مقتول میشود ۱۷۱. ۱۷۱ پنجزار ریل که بگیرند این آقا فکر میکند که جان اطفا و جان مردها و جان زنان در این ملکات ارزش دارد، مطلب سوم این است که بوزارت کار باید اطلاع داده شود که قانون بیمه اجتماعی کارگران ضمانت اجرائی ندارد یعنی بارها این تضایا ترین ضمانت اجرائی داشته باشد حال عرض می کنم متاسفانه میگوید اطفا کتر از ۱۳ سال نباید استخدام شوند مگر برای کارآموزی کارفرمای خدانشناس بی انصاف و طماع که فقط عشق پول است و استناد این خواهد گفت که من بچه هفت هفت ساله را بپولی همین وقت نونو، کورهای که ۶۰ ساله اولش است این رو گذاشته و دهم برای کارآموزی (دار است) این قوانین در مجلس تصویب کرده است و حال آنکه کارآموزی را تعریف کرده است و گفته است بهر حال کارفرما حق ندارد زنان اطفا را بکارهایی که دشوار و خطرناک است بکارند بنابراین جناب آقای فولادونه این عمل صلی متعلقه است بگزارش بازرس اعتماد نفرماید که بیاید بگوید این ۹۰ نفر طفل بین ۱۱ و ۱۲ سال را که برای کارآموزی انتخاب کرده بودیم این معنی کارآموزی نیست اما استنادهای که میخواست بکنم از عراضم این است که آقایان این مردم فقیر و بیبنا با باید بچه های خودشان را در بکنند در کوچکها که بروند دنبال جیببری و دزدی و خود فروشی و با اصال دیگر و یا اینکه مجبورند این بچه ها را فرستند در هر وقت که بدبختی بکارخانه هائی از قبیل کارخانه های بنی هاشمی یا ریسندگیا و پاتالی پاتهای دیگر با سلامتی و جانشان بازی میکنند برای بدست آوردن حداقل قوت لایوت، در ملکتی که ما قانون تعلیمات اجباری داریم ولی یک ورقه مرده ای است که در صلح هیچ فایده ای ندارد است همان طوری که جناب آقای روبرو تذکره دادند ما یک ملکتی نیستیم که بتوانیم از این پنل و پیشش های آسانی بکنیم ۱۰ تا ۱۸ میلیون قیمت داریم از این ۱۰ تا ۱۸ میلیون قیمت اگر صرف نظر فرمایند از این قیمت بسیار ناچیزی بقیه روزمره دست ندانم زندگی می کنند وظیفه ما نیست که کارفرما این است که برای این

مسئله فکری بکنند که زندگی اصلی اینها که در تمام نقاط دنیا تأمین است و من در هیچ جا سراغ ندارم که یک مردی خودش را از ۶ طبقه سعادت برت بکنند این سکه ظهر نهار در خانه اش نیست این قسمت را توجه فرمایند مخصوصاً از نظر وجدان دولت مکلف است که برای اطفا و ناظر تأمین حیات آنها تصمیم قطعی بگیرد اگر دولت معتزم در ظرف یک هفته این موضوع را تعقیب نکند و جواب مقتضی برای نمایندگان مجلس ندهد بنده ازبش این تریبون دولت را استیضاح میکنم (احسن)

رئیس - آقای نورالدین امینی **نورالدین امینی -** بنده پنج دقیقه از وقت خودم را با آقای دکتر شاهرخ دادم که زحمت بند را بکنم بکنند چون راجع باین قسمت که فرمودند بنده یک هریاض میخواستم بکنم و ایشان زحمت بنده را کم کردند و پنج دقیقه از وقت خودم را با ایشان دادم ولی ایشان یک موضوعی را فرمودند الحداثة بیجا وزیر مثل شاخ شمشاد روبروی ما نشسته اند معاون نخست وزیر هم هست یک تقاضای کوچک دارم همین موضوع کارخانه را ۱۰ همین قضایا تعقیب کنید اگر مقصدی با وزارت کار مشمول است سرد مردانه بیانیید بگوید نورالدین امینی مشور، این کار بوزارتش بگردد (عبدالرحمن فرامرزی - همینطور هم هست مجلس مشور، این باید نظارت کند) اصلاً اگر این عمل توی این مجلس بشود اگر آن کارخانه چی که موجب این کار شد بگفته، به علاوه اش یک شکیسایرین تنبیه میشوند این یک کار را مرد مردانه بگویند که حسن مشور بود از کادراستخدام بیرون کردیم ما با سلام و حلق قبول میکنیم والا با گزارش که ۲۰ نفر توت فرنگی ۸۰۰ نفر مجروح شده اند که در دست وضع خانواده اینها چه خواهد شد اصلاً این بکسرتی هم شد یک نفره فدای این ۱۸۰ نفر کنید این را مرد مردانه بیانیید بگویند این با قانون میگذرانیم و اوراد استفاده طرد میکنیم (شوشتی - دیک کارخانه اصلا درجه نداشته این چه حف بازی است) (دکتر شاهرخ - ۱۷۰۰ درجه حرارت داشته) بنده امروز هریاضی داشتم بدبختانه دوازده هزار کارمن متعزین باستان هریاض امروز من دوسه ساعت از خوابش دست برداشته صبح زحمت کشیدند چند ساعت قبل تشریف آوردند و اینجا بیاناتی کردند که من هم مجبورم این جا با هریاضی بکنم ویر کردم برنج الی الی و قسمتی از هریاض بیرون خود را بکنم، البته آقای شاهرخ شش آقای دکتر سیدامامی بنده عرض نکردم که اصل چهار بد است این آب یکیشی را کسی ندانمش را

نگاه نکنند ما میگوئیم قبول است اما ایران تهران نیست ایران کاخ چند غیر از تهران ندارد ایران بایرته دارد تهران ندارد ما میگوئیم آقا این اعتبار را حالا که شما بمانت گذاشتید حالا که شما اظهار لطف کرده حالا که صحبت کردید این پورا را جلیوزهای امریکا نیندند آنجا هم آن بایرته ها و کارگرا بولدا میهند میگوئیم این بولدا بایرته داده ما هم بیاورید اینجا خرج بایرته بکنید (فرود جطو و تهران بایرته ندارد) آقا هم من جناب آقای فرود نماینده محترم گفتیم که ایران سایر نقاط ایران را بدعند ایران تنها طهران نیست این بایرته عرض کردم چیزی دیگر عرض نکردم بنده گلام از دولت بود که آقای دولت شما سکه می نشیند باین آقا بان صحبت میکنید نقش می کشید ببرد و لایات هم برسد (شوشتی - همه اش تهران است) هیب کاربشت که این بوزاریما افلا برای اینکه از شر نمایندگان خلاص شوند پانی شوند چند روز این ولایات را بگردند (یک نفر از نمایندگان - دروشان نبیند) باشو فرزند ولایات بگردند بایرته ها را ببینند بیارتنه بیارتنه از ولایات را ببینند بایرته ها را ببینند درختان ادارات را ببینند کرسکی و بیچارگی مردم را ببینند آنوقت ببینند که ما میگوئیم ما نمایندگان ولایات دردمانچست و الا ما چیزی نگفتم خیلی کم از آقایان من مونیم و متشکریم البته تلف کردیم بولجان بیایم میفهمند - گویم برونه این بایرته ها ولایات هم برسد ۶۷ خیابان در تهران اسفالت می کنند ۳ استان ۶۷ خیابان ندارد اینجا رابریود اسفالت کنید آنجا انلامرود برای باشو مردم هم بداند که ملتی که آزاد بخواهد ذلت است ملتی که پرچم آزادی ندانند از بوش گرفته بفکر ما نیستند هم عرض بنده اینست چیزی نگفتم اعتراضی نکردم اینکه فرمودند او تمیل دولت خودش برای امور پیش چرا دولت اجازه داده است اینکه انومیل های چهار چهار چهار چهار میگویند این انومیلها چهار رابد کتر بدعند برود و این آقای فرامرزی که اعتراض نکند بدعند بد کترها که بروند ولایات من که چیزی نگفتم من را بچوب بسته ایمن هریضی نکردم (یکنفر از نمایندگان (مدوا) بدعند بدوا آنهم دو اجبائی راجع بسترخ من چیزی نگفتم من نگفتم که مترخ بد است (خنده نمایندگان) من گفتم آقا نان بدهید بخورید بده راجع با نوبوسرانی استندما میکنم جناب آقای وزیر دارائی توجه فرمایند وزیر دارائی بنده گوش بیخیمالی است (اولا در دنیا انوبوسرانی در ولایات شهر دارائی است) (تسار) اشاره (میر اشرفی - قانون هم منظور گذاشته) عرضی در مورد امتیازاتی که گوهری تعقیب کرد

اوبایستی مجازات بکنند فرستند بیکه مجازات کند نظارت با شهرداری است پرروز که من چند کلمه صحبت کردم آقا بناید برسد بنور مردم رسید چقدر بایرته شو خرمند که سالهاست غیبت میکنم همرا بیرون کردند چقدر مالکین بدبخت که باینهمه فرشتن پول یک توبوس از شانزاد سلب مالکیت کردند همرا بیرون کردند تا زوما با آنها کاری ندارم صلاح این بود که مرسدس بنز بیاید بسیار خوب من میگویم چرا کم است چرا مردم در سینه کش آفتاب تاستان با اینهمه استنادند قطار خنجر اگر خوبست صلاح این است من عرض می نام این درست چرا قبت بیلش را بالا برید (یکنفر از نمایندگان - انوبوس کم شد) چرا تعداد سوار شده ما ۲۰ نفر ۸۰ نفر سوار میشوند کم مسطح زندگی بالا برند قبت تبلیط سینا درست میشود (شوشتی - هزینه زندگی فرمایند ما میگوئیم گوش کاران است آن وقت سینا را هم میرند بالا باین تناسب قبتها میروند بالا و آنوقت آقای وزیر دارائی یک پیشقدمت باید بکنند از تومان بدهد روی این حساب (تسار - مالیات اضافی میگردند) تا زوما هم با فایده باشد عرض میکنم اینک سطح زندگی رابایرته ها را باین (یکنفر از نمایندگان - هزینه زندگی من باین که از علم اقتصاد سرم نبیند) تسار را حید) قیمت سینا بالا قیمت گوش بالا (یکنفر از نمایندگان - حام) بارگاه حمام را فرمودید حمامها را بر پر روز برند بالا الحداثة بنده در خانم یک نام کوچک دارم (میر اشرفی - عرض کن چه جور میگوید سطح زندگی را بیاورد باین (شوشتی - هزینه زندگی من باین) سینا ها را گران کردند - دربان کردند آن وقت بیهضار کرده اند درجه ۱۰ وضعی هادرجه ۲ درجه ۳ هارا خط کشیده اند که ندارد الحداثة که سه تومان سه تومان بالا میرود (معاون نخست وزیر - بنفع شهرداری است) من که نگفتم بد است من میگویم وسیله منحصر بقدر بایرته ها این سینا بود این هم که اینجوریش کردند کارگری که روزی سه تومان بیاچار تومان باینجوتومان میگردد از کجا این کارگرمیتواند انخا خواند اش را زن و بچهاش را که بر سر تنه دارد سینا بیرون (معاون نخست وزیر - کارگر که سینا لازم ندارد هر چه کارتر شود بنفع شهرداری است) فکر بایرته هارا بکنید همه چیز برای کاخ نشین، همه چیز برای مشول آنوقت وقتی میگوئیم خط زنجیر انوبوسها را درست بکنید چنان تکثیر بلند میشود، وقتی میگوئیم برای ولایات فکری بکنید ذنب لانفر کردیم وقتیکه میگویم بدو بایرته های ولایات برسد شها با بلفن مارا تهدید میکنند ما از تهدید نترسیم ، بیخاسار است (تسار) اشاره (میر اشرفی - قانون هم منظور گذاشته) عرضی در مورد امتیازاتی که گوهری تعقیب کرد

شده است عادت کرده ایم از تهدید و ترور و کتک و این حرفها وحشت نداریم (یکنفر از نمایندگان - حرف حق را بایستی گفت) بایرته های بایرته ها فکری کرد بایرته ملت در راه آسایش باشد هزاران، روزانه این امالی - فدای هزاران بایرته ها (احسن)

۳- تقدیم بکثرت سوال از طرف آقای قات آبادی
رئیس - وارد دستور میشویم بفرمایند آقای قات آبادی
جات آبادی - یک سوالی است راجع به توقف و تسبید آقای دکتر تاستان با اینهمه استنادند قطار خنجر اگر خوبست صلاح این است من عرض می نام این درست چرا قبت بیلش را بالا برید (یکنفر از نمایندگان - انوبوس کم شد) چرا تعداد سوار شده ما ۲۰ نفر ۸۰ نفر سوار میشوند کم مسطح زندگی بالا برند قبت تبلیط سینا درست میشود (شوشتی - هزینه زندگی فرمایند ما میگوئیم گوش کاران است آن وقت سینا را هم میرند بالا باین تناسب قبتها میروند بالا و آنوقت آقای وزیر دارائی یک پیشقدمت باید بکنند از تومان بدهد روی این حساب (تسار - مالیات اضافی میگردند) تا زوما هم با فایده باشد عرض میکنم اینک سطح زندگی رابایرته ها را باین (یکنفر از نمایندگان - هزینه زندگی من باین که از علم اقتصاد سرم نبیند) تسار را حید) قیمت سینا بالا قیمت گوش بالا (یکنفر از نمایندگان - حام) بارگاه حمام را فرمودید حمامها را بر پر روز برند بالا الحداثة بنده در خانم یک نام کوچک دارم (میر اشرفی - عرض کن چه جور میگوید سطح زندگی را بیاورد باین (شوشتی - هزینه زندگی من باین) سینا ها را گران کردند - دربان کردند آن وقت بیهضار کرده اند درجه ۱۰ وضعی هادرجه ۲ درجه ۳ هارا خط کشیده اند که ندارد الحداثة که سه تومان سه تومان بالا میرود (معاون نخست وزیر - بنفع شهرداری است) من که نگفتم بد است من میگویم وسیله منحصر بقدر بایرته ها این سینا بود این هم که اینجوریش کردند کارگری که روزی سه تومان بیاچار تومان باینجوتومان میگردد از کجا این کارگرمیتواند انخا خواند اش را زن و بچهاش را که بر سر تنه دارد سینا بیرون (معاون نخست وزیر - کارگر که سینا لازم ندارد هر چه کارتر شود بنفع شهرداری است) فکر بایرته هارا بکنید همه چیز برای کاخ نشین، همه چیز برای مشول آنوقت وقتی میگوئیم خط زنجیر انوبوسها را درست بکنید چنان تکثیر بلند میشود، وقتی میگوئیم برای ولایات فکری بکنید ذنب لانفر کردیم وقتیکه میگویم بدو بایرته های ولایات برسد شها با بلفن مارا تهدید میکنند ما از تهدید نترسیم ، بیخاسار است (تسار) اشاره (میر اشرفی - قانون هم منظور گذاشته) عرضی در مورد امتیازاتی که گوهری تعقیب کرد

شرف آوردند مجلسی فرمودند سخن فرمایشاتشان بوجوب این صورت مجلسی که اینجا پیش بنده است فرمودند هر مومنی که لازم شد برملا میکنم ، راجع ببغالتنشان صحت فرمودند و فرمودند که من برامالی - کذب بنده در درود خندمت ساسیم ، سوای کذب نمیشی خوش است خوشبختانه با بدبختانه همیشه در صف مخالفین دولت ها بود یعنی با همان دولتی که جناب آقای دکتر امینی و سکیل اول تهران شدند دولت جناب آقای قوام السلطنه بعد دولت آقای حکیمی بعد از دولت آقای حکیمی در مرحوم هریض بعد از مرحوم هریض دولت ساعد، دولت رزم آراه با تمام اینها بنده مخالف دولت بودم و مخالفت بنده هم مخالفت سرسری نبوده مخالفتی بوده که تا بای جان رفته ام مثلا در زمان حکومت مرحوم رزم آراه آقایان اطلاع دارند آقای فرامرزی هم تشریف دادند که آن آقایان تشریف دارند که ما آمدیم باین آقای قات آبادی و چند نفر از روزنامه نگاران فریبه ، روزنامه نگاران شدم و آن قانون مطبوعات را ملتی کردیم حالا چه بازمای ما کردیم از بخت امروز ما خارج است در دستن مرحوم هریض چند روزی این جسا معلوم - معلوم - معلوم می شود آب وهوای مجلس بشما مبارز) خرمان راهم مجلس مبادا ، عرض کنم در حکومت آقای دکتر مصدق بنده از مخالفین سرخست آقای دکتر مصدق بود یعنی از روز اولی که ایشان رئیس الوزراه شدند قبل از رئیس الوزرائی ایشان بنده با ایشان موافق بودم برای این که می گفتم در مجلس یک لیدر اقلیتی برای ترمز دستگاه دولت لازم است ولی وقتی که ایشان رئیس دولت شدند از همان روز اول در روزنامه انتش نوشتم که من با ایشان مخالف هستم و می دانستم که آقای دکتر مصدق در بدبختی نیست این حرفهائی که می زندند تا مشورت و بعدیکه دشمنان به نتیجه نرسیدند مفید بعالملت ایران نخواهد بود (عاملی - صحیح است) و در مدت دو سال و چند ماه شاکوه آقای دکتر مصدق هم از آقایان شاهه هستند که بنده را بیا فحش بنامزا کردند و تهدید و قتل وغارت کردند که چندین بار روزنامه مارا غارت کردند که علت مخالفت بنده آقای امیر تنبور یکی همان غارتی است که روزنامه آتش و منزل بنده را کردند و آقای امیر تنبور تشریف آوردند بپشت رادیو فرمودند من شرافتمند تهران امروز انتقام گرفتند ، بنده آقایان دکتر مصدق مخالفت کردم تا دوره ۱۷ دوباره و سکیل مجلس شدم از مشکین شهر انتخاب شدم آمدم بمجلس شورای ملی وارد شد اولین شبی اینک شبی که شب چون اولین جلسه مجلس شورای ملی در دوره هفدهم شب تشکیل شد ، از همان اولین شب یعنی برخلاف آنچه که بین تمام نمایندگان میروس است که پس از تصویب اختار نامه

یکور خودشان را بدو ت بدو ت نشان میهند بنده از همان حسا اول با آقای دکتر صدق مخالفت کردم بطوری که تا ناچاران دور طرف به بنده حمله کردند و بنده چون یک تن بودم و وسیله ای برای دفاع نداشتم بسویله این نطقه ها از خودم دفاع کردم خدا من مرا حفظ کرد برای اینک من حرف حق میزدم در تمام مدت حکومت آقای دکتر صدق و و کالت مجلس بنده هم شهادت صورت مجلسهائی که هست همیشه مخالف ایشان بود دولت دکتر مصدق تمام سعی و کوشش را کرد که بتواند وسیله ای برای بنده بپوشد این درست کند و بیاید پشت این تریبون مجلس بگوید یعنی یک روزی یاد می ده که آن روزنامه ای که نمی خواهم اسرار رابیاورم و حیف است پشت این تریبون اسم آن روزنامه را بیاورم به بنده نوشت که کمبر اشرفی حرانزاده است دیگر قضی از آن بالاتر نمی تواند باشد اینجا صورت مجلس است آنرا میگویم با دکتر مصدق مخالف از آن وقت هم مخالف بودم حالا خیلی ها ممکن است ادعای مخالفت بکنند و شاید حرف بر علیه دکتر مصدق بزنند ولی آقایان باید تصدیق فرمایند که آن روز مخالفت یاد کتر مصدق خالی از غطر نبود بنده شب اول که آمدم مجلسی اعتبار نامه ۳۰ نفر از وکلای جبهه ملی آنوقت آقای دکتر بقائی و مکی و انانهم مخالفت کردم آن روز کسی نمی توانست اسم اینها را بدون سلام و صلوات بیاورد ولی بنده بیکه تنها مخالفت کردم و آمدم پشت این تریبون گفتم حرانزاده آن کسی است که بول این روزنامه می دهد آن کسی است که پیشبانی میکند آن کسی است که تقویتش میکند و مطالب دیگر آخرین حرفی که پشت این تریبون زدم این بود که گفتم امروز تمام دستگاه مخالفت است در تمام دستگاهها هنوز دارند بگردند هر کجا در هر برهه ای برای من را یک یک رک بیرونند دارم یک جایی سوه استفاده کرده ام یک جایی من برخلاف حقوق مشروع خودم قدم برداشتم بیاید پشت این تریبون بگویند و من از مجلس شورای ملی استعفا میکنم و میروم و کلمات یکیشی اینجا گفتم که اگر دکتر مصدق اینجا سردار در تریبون بگوید مستقب باو باشد حالام خدمت جناب آقای دکتر امینی عرض میکنم بنده از رفتی سبب زامی امینی مثل آنروزیکه جناب آقای دکتر امینی رفیق جناب آقای دکتر فاطمی بودند آنروزی که اخوی جناب آقای دکتر امینی وزارت دربار را اداره میکردند دستور میدادند که تا نکهای معظفی اودا به ملک برد در دستگاه ستاد ارتش که اطراف کاخ جناب آقای دکتر امینی - **وزیر دارائی -** نیست راجع به ستوانان فرمایند **میر اشرفی -** مربوطه سوال است

مقدمه است امروز باز هم الان خدمت آقای
 دکتر امینی عرض میکنم کمن از رفتاری
 زاهدی هستم و باشان ارادت داشتم درود
 ولرز خود جناب آقای نخست وزیر و روزاریش
 استدعا میکنم هر کدام در حکومت جناب
 آقای سبهد زاهدی کوچکترین قسمی
 کوچکترین زهدی کوچکترین انسانی
 کوچکترین توصیه ای از طرف من شده
 است و آنها عمل کرده اند و یا عمل نکرده
 اند بیایند پشت این تریبون مجلس بگویند
 بنده آقایان آدمی هستم قانع نفعات می
 شدم همان پدرم و حیویتی و آبروی خودم را
 حفظ میکنم (یکی از نماینده های - واقفاً
 احست) چندی روزی با بنده بگفتند مصیبتی
 بودم زاجع بیک موضوعی که مربوط بیک
 از وزرای جناب آقای نخست وزیر بود در
 خدمت آقای نخست وزیر ایشان من از آنها
 دعوت کردند باطاعتان یکی از نماینده گانی
 که بنده با ایشان ارادت دارم و مرد دروغی
 است و هم سنگر ما بوده آنجا خبر خود داشت
 گفتن آنجا بلند بود زورم پیش آقای سبهد
 زاهدی گفت نمی آیم گفتن برویم بنده
 بازوی ایشان را گرفته بردم آنجا دوستش
 داده بگلام الله که من که یکی از افراد و
 یکی از پایه گذاران حکومت زاهدی بودم
 یعنی من قیلا رادبو را گرفته بده سبهد
 زاهدی آمدند ما بودم رادبو تهران را گرفته
 در روز ۲۸ مرداد که قریب ۲۰ هزار جمعیت
 در استامبول رادبو ریخته بود از توده ای
 غیر توده ای کسی آنروز لوطی نبود در
 رادبو را بگیرد بنده آنروز دیگر (افشار
 صادق - ما مادم برویم) کسان ریخته
 بودند البته همه بودند همه افراد بودند بنده
 هشری از افشار رضا هستم بنده به تنهایی
 هیچکس نیست جناب آقای افشار صادق
 (عبدالحم فرامرزی - بنده که نبودم) شنا
 م بودیم شما را بنده خود شنیدم حالا جانی
 گذاشتم (بنده شنیدم کلابان) بعد مدم
 محضر عموم آقایان نمایندگان محترم را از
 آقای نخست وزیر استدعا میکنم که هر چه
 از بنده دارم بیایند پشت تریبون بر ملا
 کنند بنده تمام آقایان نمایندگان را گواه
 میکنم و بچشم مقدسات دنیا قسم میخورم
 که کوچکترین سوظن و سوءاستفاده ای
 نکرده ام حتی با ما خود خوردیم که سبهد
 زاهدی آمد نفعت وزیر شده ما را که سبهد
 بگردد چنان کنیم بگوروی چند هزار
 نفر جمعیت ریخته تدمر که سبهد زاهدی
 را بگیرند تنها کسی که پیش این سبهد
 زاهدی مانده این روز سبهد و من نبودم
 و رفتاری دیگر را گفتیم که تشریف بزنند
 که اگر گفته بشود ما من نفریاشیم و شما
 بنایید برای روز مبارزه آقایان ما چنین
 کارهایی کرده ایم حالا چه چیز مرا
 بر ملا کنند

میر اشرافی - آنرا نیست که بخواهد
 مرض کند از این مقدمه این نتیجه را می
 خوام بگیرم که آقایان هر چه میل دارند
 بیایند پشت این تریبون بگویند که بنده
 تصمیم بیک مبارزه ای گرفته ام که در راهش
 کشته شوم - اتهام - فی حدیث با ناز و کتک
 و همه چیز هست و این مبارزه با دزدی است
 و آن مبارزه ای است که خود آقایان می-
 آیند پشت تریبون و میگویند با دزدی باید
 مبارزه کرد مبارزه همکاران عزیزه آقایان
 هرزبیا حرف که میشوید مبارزه عمل می
 خواهد مبارزه می خواهد که میر اشرافی
 خود را با بلان سرمایه و با طرف فلان
 بنویسد جناب آقای دکتر جزایری فلان
 پرونده را اجازه بدهید برای اینکه من
 بخوانم بیارونه ، بخوانند پرونده را از توش
 داتا مدارک در بیارند و برض آقایان برساند
 و من با اینکه با آقای دکتر جزایری روابط
 خوبی نداشته ام ولی ناچار وظیفه ام این است
 که پشت این تریبون از شخص ایشان تشکر
 بکنم که تا این دقیقه کومکهای بسیار
 مهمی به ملک و بفرمانه ملک کردند
 بنا بر این بنده از جناب آقای دکتر
 امینی تمنا می کنم که هر چه
 میخواند اینجا پشت تریبون بر ملا بکنند
 بیایند بر ملا بکنند برای اینکه من آدمی
 هستم خیلی جسور و هیچ چیز را قیام نمیکنم
 هر چه داشته باشم میگویم اما راجع
 بسوالی که از آقای دکتر امینی کردم
 سوالی که کردم این بود که مرگ تهران را
 آتش زده اند

وزیر دارائی - انبار کمرک
میر اشرافی - انبار را ، بیخشید
 مطررت میخوانم انبار شماره ۳ کمرک را
 که ذیقبت ترین اشیاء و مهم ترین انبار است
 آتش زدن علت آتش سوزی را تشریف
 بیاروند اینجا بگویند بنظر بنده و بطوری
 که بنده متحقق کردم علت آتش سوزی بیان
 سادگی که خیال میکنم نیست همه ما ما
 توی خانه مان برق داریم و اغلب هم این
 سیمهای برق توی خانه و حیاطان که رد می
 شود بطور نامنظم است ده یا نوزده سال
 است که هیچوقت خانه مان آتش نکرده
 انباری که کمیانی اشکودا ساخته انباری
 که طاقش تون آمده است لوله کشی برقی
 با وسایل آبی شده آتوقفت چطور شده که
 آتش گرفته برای این آتش گرفته آقایان
 که اموال مردم را سرت کنند و برای از
 بین بردن آثار سرت در انبار وسایل آتش
 سوزی را آثار سرت کردند ، بنده کنجکوری
 کردم که چطور شد آتش گرفته کنجکوری
 بین یک کتری برقی را آب کرده اند توی
 انبار گذاشته اند آب این کتری بخار شده
 و آب بنده است بصفتی بخار در اطرافش
 گذاشته اند بصریح گرم شده و بوشال
 آتش گرفته و آتش سوزی شروع شده در
 انبار کمرک بنده سوزی سوزی است

حوزی از دفتر شروع شده دفتر که مواه
 محترمه در آن نبوده نیست و بنایده هم باشد
 دفتر عبارت از یک میز و مقداری کافه
 است در موقعی که رفتند باز دیده کرده اند
 آنجا چراغ برق روشن بوده در صورتی
 که اگر برق اتصال میداشت باید حتماً
 این برق خاموش باشد و آنطوریکه بنده
 تحقیق کردم هیچ مربوط بقیق نبوده قطعاً
 عمدی بوده برای از بین بردن اجناس مردم
 متجاوز از ده میلیون تومان مال مردم را
 آتش زده رئیس اداره کمرک دل خودش
 را خوش کرده که باه آقایان باز کارشان
 شیر میدهم که با دهنه همه مراجعه کنند و
 خسارت خودشان را دریافت کنند مثل این
 که اداره بیمه میراث اجداد رئیس کمرک
 بوده که کسب پرونده از خزانه پدر من بگیرند
 و غصه نخورند همه آقایان میداند و
 مخصوصاً جناب آقای دکتر امینی اطلاع
 دارند که بیمه های ایران بیمه ای نیست که
 روی پای خود استاده باشد بیمه انگلی
 دیگر صدی بیست صدی پنجاه میدهند وقتی
 بیمه های خارجی مظنون شدند بدستگاه ما
 آنوقت بیمه نمیکند و اموال مردم بلا تکلیف
 میداند مثل اینکه بنده اینجا شکایتی دارم
 که یکی از همکاران من داده که پشت این
 تریبون بخوانم که صدای شکایت کرده اند
 که بیمه های خارجی دیگر اموال ما را بیمه
 نمیکند برای اینکه اموال ما را سرت می
 کنند و بیمه های خارجی میگویند که این
 سرتها صدی است سرتها صدی است
 و اما دلالی که بنده دارم راجع بصدی
 بودن آتش سوزی انبار کمرک ایستکه ...
رئیس - آقای میر اشرافی وقت شما
 تمام شد می خواهید برایتان وقت اضافی
 بگیرم چون یک مقدمه ای فرمودید که وقت
 شما تمام شد
میر اشرافی - اگر آقایان محترم
 اجازه بدهند
رئیس - یک ربع وقت اضافی کافیست
 چون یک مرتبه دیگر هم ایشان حق دارند
 در جواب آقای وزیر حرف بزنند . حالا
 آقایانیکه با دیگر صحبت اضافی ایشان
 موافقت فرمایند (اکثر برخاسته) تصویب
 شد بفرماید .

میر اشرافی - در اداره کمرک
 آقایان مثل همه کمرکهای دنیا دستگاه
 های آتش نشانی مجهز است باید هم
 باشد دستگاه کمرک طبق تحقیقاتی که
 بنده کرده ام کلابا در این باب معجز می
 باشد و می توانند که این حرفهای معتصر
 را توری خاموش کنند بیست روز قبل از
 این حریق گزارشی از طرف متصدی آتش
 نشانی کمرک تهران داده میشود شماره
 ۷ تماماً میکند که آقا این لوله های
 خرطری که برای آتش نشانی لازم است چندین
 میلیون تومان مال مردم سوخته و از بین
 رفته است و این اموال مسروقه هم آتش
 بکلی مسروقه است و این جناب آقای موسی
 که رئیس انبار شماره ۳ بودند ایشان کسی
 بودند که در اداره کل کمرک قبل از آقای
 (یکی از نماینده گان - اسم مدیر کل کمرک
 (ت) - مهندس اردبیلی - آبتین) به آبتین
 قبل از آقای آبتین بمرم اینک این آقای
 موسی زدنی کرده و خیانت کرده فلانکس
 وقتی شده در دادسرای تهران چندین پرونده
 دارد در یک نفره صد هزار تومان از اوضانات
 گرفته اند و پولش کرده اند که بپوشم اتهامش
 رسیدگی کنند جناب آقای آبتین که تشریف
 آوردند عقب صفت مأمورین دستکار و
 صالح میکنند برای همکاری خودشان اول
 کاری که میکنند این آقای موسی را بر می
 دارند می آورند میکنند روی انبار شماره
 ۳ که معرم اسرار باشد و من نمی دانم که
 جناب آقای زد کتر امینی که خودشان را
 منز از تمام این جریانات میداند چطور
 اجاره می دهند منمیر کل کمرکشان برونه
 بگیرند بفرین و نامشترین اشخاص را
 بیاروند در آس حاسن ترین کار و مهم ترین
 با برها بگذارند و چطور شده در اینست
 آقای دکتر امینی در کمرک تفتیش نکرده
 بنده چندین بار بجناب آقای نخست وزیر
 و بغیر آقای دکتر امینی گفته که کمرک
 شما وضمن خراب است و حتی یک روز
 بخودشان گفتم که اگر وزیر دارائی خوبی باشی
 باستی بروی بکروزوی این اداره کمرک را
 مثل کنی اصلا این بند دزدی و قاچاقچیکری
 را هم بزنی و فکری بکنی برای این دستگاه
 چه می مغلطی را که بنده حالا میگویم
 دکتر امینی عرض میکنند بوزیر مخالفت باینکه
 آقای دکتر امینی در حکومت جناب آقای
 نخست وزیر سبهد زاهدی است نیست بنده
 از قیام هر کجا که ایشان بودند تذکراتی
 بفرمایند میدادم و مخالف هم بودم و آقایان
 تلخ میشد و وقتی هم که ایشان وزیر اقتصاد
 ملی بودند ، در آن زمان هم چاره را هر
 یا صد مصدق جانی مرخص فرمودند بفرخلاف
 کرده بودند در روزنامه آتش اعلام جرم
 کرده و ایشان بن نامه ای نوشتند که این
 اعلام جرم صحیح نیست گفتن خیلی خوب صحیح
 نیست که نسبت ما هزار تا داشته کرده ام این
 هم یکی بدد در کترانوی آموزد وزیر اقتصاد
 علی شد و همان پرونده را رسیدگی کرد
 و تصف کرد و بدد که حق پانزدهم میخوانم
 هنوز باز نکرده اند برای اینکه ما میزنند
 باید یک چند ساعت بسوزد و اموال مردم
 از بین برود بعد درش را باز کند بنده
 آن سرتها را که آنها بودند در انبار را
 می شکنند بوسیله این سرتها را که برادران
 عزیز ما هستند و هر مومنی در اینست یک
 خطری پیدا می شود با این سرتها انبارجات
 میکنند ، این سرتها را میزنند کرده -
 کنند مأمورین آتش نشانی و آتش اشخاص
 میکنند و در بعضی موارد چند میلیون تومان
 میکنند و در بعضی موارد چندین

میلیون تومان مال مردم سوخته و از بین
 رفته است و این اموال مسروقه هم آتش
 بکلی مسروقه است و این جناب آقای موسی
 که رئیس انبار شماره ۳ بودند ایشان کسی
 بودند که در اداره کل کمرک قبل از آقای
 (یکی از نماینده گان - اسم مدیر کل کمرک
 (ت) - مهندس اردبیلی - آبتین) به آبتین
 قبل از آقای آبتین بمرم اینک این آقای
 موسی زدنی کرده و خیانت کرده فلانکس
 وقتی شده در دادسرای تهران چندین پرونده
 دارد در یک نفره صد هزار تومان از اوضانات
 گرفته اند و پولش کرده اند که بپوشم اتهامش
 رسیدگی کنند جناب آقای آبتین که تشریف
 آوردند عقب صفت مأمورین دستکار و
 صالح میکنند برای همکاری خودشان اول
 کاری که میکنند این آقای موسی را بر می
 دارند می آورند میکنند روی انبار شماره
 ۳ که معرم اسرار باشد و من نمی دانم که
 جناب آقای زد کتر امینی که خودشان را
 منز از تمام این جریانات میداند چطور
 اجاره می دهند منمیر کل کمرکشان برونه
 بگیرند بفرین و نامشترین اشخاص را
 بیاروند در آس حاسن ترین کار و مهم ترین
 با برها بگذارند و چطور شده در اینست
 آقای دکتر امینی در کمرک تفتیش نکرده
 بنده چندین بار بجناب آقای نخست وزیر
 و بغیر آقای دکتر امینی گفته که کمرک
 شما وضمن خراب است و حتی یک روز
 بخودشان گفتم که اگر وزیر دارائی خوبی باشی
 باستی بروی بکروزوی این اداره کمرک را
 مثل کنی اصلا این بند دزدی و قاچاقچیکری
 را هم بزنی و فکری بکنی برای این دستگاه
 چه می مغلطی را که بنده حالا میگویم
 دکتر امینی عرض میکنند بوزیر مخالفت باینکه
 آقای دکتر امینی در حکومت جناب آقای
 نخست وزیر سبهد زاهدی است نیست بنده
 از قیام هر کجا که ایشان بودند تذکراتی
 بفرمایند میدادم و مخالف هم بودم و آقایان
 تلخ میشد و وقتی هم که ایشان وزیر اقتصاد
 ملی بودند ، در آن زمان هم چاره را هر
 یا صد مصدق جانی مرخص فرمودند بفرخلاف
 کرده بودند در روزنامه آتش اعلام جرم
 کرده و ایشان بن نامه ای نوشتند که این
 اعلام جرم صحیح نیست گفتن خیلی خوب صحیح
 نیست که نسبت ما هزار تا داشته کرده ام این
 هم یکی بدد در کترانوی آموزد وزیر اقتصاد
 علی شد و همان پرونده را رسیدگی کرد
 و تصف کرد و بدد که حق پانزدهم میخوانم
 هنوز باز نکرده اند برای اینکه ما میزنند
 باید یک چند ساعت بسوزد و اموال مردم
 از بین برود بعد درش را باز کند بنده
 آن سرتها را که آنها بودند در انبار را
 می شکنند بوسیله این سرتها را که برادران
 عزیز ما هستند و هر مومنی در اینست یک
 خطری پیدا می شود با این سرتها انبارجات
 میکنند ، این سرتها را میزنند کرده -
 کنند مأمورین آتش نشانی و آتش اشخاص
 میکنند و در بعضی موارد چند میلیون تومان
 میکنند و در بعضی موارد چندین

جناب آقای دکتر امینی است و در سال
 چندین میلیون تومان جنس صادر کرده و
 یکی از این پروندهها را که خود آقای
 دکتر امینی هم میداند عرض کنم بنده می
 بنام د تشریف نریا رفته در کمرک مشاهده تحقیقات
 کرده که یک تاجری دمسال در حدود ۵
 میلیون دلار حالا کم و زیادش را نمی دانم
 مثل مرض میکنم ممکن است رفتن زیاد
 کش باشد (کریسی - در کمرک مشاهده) اوقات
 و کش تلخ نشود در انبار (نادره) کریسی -
 کمرک مشاهده اصلا ۵ میلیون دلار ثروت ندارد
 (یکی از نماینده گان - همه اش را که از
 کمرک مشاهده صادر نکرده) (کریسی -
 خوب است از سکرک مشاهده بنده است)
 بعد که آمدند رفتند رسیدگی کردند بنده
 این تاجر صادر نکرده شدی است میخوانم
 با اعلم نمیدانم چیست البته اعلم بودم این
 یک آدمی است اصلا رتبه با دارائی دارد
 و ارزش این کارها را ندارد آمدند در
 نتیجه کنجکوری این جریان را کشف
 کردند که در حدود ۴۰۰ میلیون تومان
 ارزگی که از این ملک خارج شده بنده
 ملک برنگشته و تمام اوراق و اسنادش
 مجهول المکان و مجهول الهویه است یکی از
 دلایل آتش زدن همین است که این اسناد
 از بین برود این گزارش میروید بفرین جناب
 آقای نخست وزیر میرسد و جناب آقای
 نخست وزیر کسببونی همین میکنند که در
 این جریانات رسیدگی کنند وقتی که مشغول
 رسیدگی میشوند آقای وزیر دارائی اوقاتان
 که تلخ نشود

وزیر دارائی - خبر بفرماید
میر اشرافی - آقای دکتر امینی
 اوقاتش تلخ میشود که با زسی نیست وزیر
 چه حقی دارد مدخله بکنند همان با زرس
 های کمرک باید باشند دکتر امینی هم تصفیر
 ندارد آن بانها و قاچاقچی ها طوری جریان
 را درست کرده اند که اوراق و اسنادی که
 باید بدست با زرس های نخست وزیر برسد
 نرسد و بعد که با زرس نیست وزیر
 کنجکوری کرد بدیند یک مقدار اسنادی را
 در جای مرطوب ریختند و از بین رفته
 بنده میخوانم یک جریانی را خدمت جناب عالی
 عرض کنم بخود حرقی نیز تم این صورتش
 است اینجا تمام اشخاصی که با حاشیان را
 واریز نکرده اند اینجا است اگر لازم بشود
 میخوانم جناب آقای دکتر امینی از این
 آقای دکتر فرغ نریا که رفته و کشف باین همی
 کرده اظهار قدر دانی میکنند که آقا سر
 شما بر سره میان خیلی آدم خوب هستند
 شما که کشف باین همی کرده ام ما از شما
 قدر دانی میکنم بعد از کشف این قضایا
 و آن قدر دانی آن جوان حاسن و با حرارت
 هم خیال کرده که این قدر دانی راستی است
 رفته و معلب را تصفیر کرده که بدو قاچاقچی
 هارا در پیار بود بعد همان قاچاقچی ها که یک
 بانج آنها هستند و مثل زنجیر بهم متصل
 هستند در این چند روز اخیر (کمرک آقای
 برای صبه یک چند نفر از دودها کنار
 میگذارند این آدم را هم کنار گذاشتند
 چرا کنار گذاشتند برای اینکه وقتی او رفت
 میروند و این ۴۰۰ میلیون تومان هم
 میروند بجناب آقای دکتر امینی عرض
 میکنم که اگر شما کاتان را خوب اداره
 کنید و اگر غنائیاتان را خوب اداره کنید
 بقیده بنده که دکتر اقتصاد نیست بقیده
 بنده شما بودجه ملک را میتوانم از آن
 جا اداره کنید البته ما از دولتهای که بسا
 کومک میکنند در این روزهای بدیشتی و در این
 روزهای کامار فقر و فلاکت هستیم با
 کومکهای وادی میکنند ما هم متشکرم
 اما ملت ایران احتیاجی بکمکهای ندارد
 کما اینکه چندین سال اعطی حضرت رضاشاه
 کبیر این ملک را در اینده بفرمایند آن
 آقای دکتر امینی هم بفرمایند آن
 وقت آنروز هم از شرکت نفت با پولی
 نیدادند و مطابق اعلامی که بنده دارم
 پنجاه هزار لیره صد هزار لیره بیشتر بسا
 نیدادند و ما مملکت را از شرکت نفت
 نداشتیم ولی مملکت را در این روزهای خودمان
 اداره کردیم و تمام اختراعاتی که شادمانی
 و تمام مؤسسات مفیدی که هست از قبیل
 راه آهن و دانشگاه و آن چیزها که وقتی
 یک خارجی وارد ملک ما میشود میروند
 آنها را ببینند و بگویند که اینها یک قدری
 مملکت متدنی هستند اینها همه مال زمان
 است و از بعد از رضاشاه مایک تا به نخست
 وزیرم نگذاشتیم (تجدید و همانها را هم
 نمیتوانیم نگه داریم) کبیم که با همانها را
 هم نمیتوانیم نگه داریم کسی تصحیح است
 بنابر این جناب آقای دکتر امینی بنده بنویس
 خودم که بفرمایند این سببت از آن دولتهای
 که با کومک میکنند کمال امتنان را دارم
 ولی ما احتیاج بکومک مالی نداریم ولی
 اگر ما یک ویران دارائی داشته باشیم که
 البته این وزیر دارائی هم مشرف نیسی
 نباید باشد جناب آقای دکتر امینی باشد
 عیبی ندارد جناب آقای دکتر امینی اوضاع
 اقتصادی را جمع و جور بکنند جلوی این
 دزدبهارا بگیرند مرض میکنم که مملکت
 باین فقر و فلاکت نیفتد بلکه جمله متر ضای
 عرض کنم و آن راجع بشکر است تلخی
 توی نیست راجع بشکر و حکمت آقای
 و هاین بزرده نیست که صحنی بشود مرض
 میکنم که در بین سه چهار روز اخیر اداره
 کل فند و شکر هزار تن شکر تقسیم کرده
 و مبالغ گرانی آن آفتابیکه در آس آنها
 نشست و جیبهایش را زیر کرده بدست جارت
 نیستیم که وزیر دارائی (یکی از نماینده گان)
 بفرماید اسم ببرید از آقای وزیر دارائی
 قول بگیرد که اوقاتش تلخ نشود بنده
 میگویم چون اسم آبتین را که بر پدر ایشان
 اوقاتش تلخ شد

نگیند و رای بگیریم ورد بشود مثل اینست که مفهوم قانون که دفاع صاحب خانه از مال و ناموس باشد ازین میروید باینجهت من از ایشان خواهش میکنم که پس بگیرند چون نظرشان تأمین است (گریبی - مسلح باید باشد تا کشته شود) مسلح آقا فرق میکند از برای يك آدم ضیفی يك آدم کردن کلفتی که با چنگال قوی میآید (میراشرافی مثل آفتابه حلبی از خانه شما بلند کند این را بکشند برای خودش هم بهتر است اینست که اسلحه ندارد بلك هم اسلحه ندارد (گریبی - پس آفتابه دزد را بکشید) ولی اگر يك بلك بابك آدم ضیفی رو برو شد او آدم را میدرد اگر يك سارق وارد منزل کسی شد و آن شخص دفاع کرد و این سارق درصدد مقاومت برآمد که این مقاومت منجر بقتل دزد شد باز هم باید صاحب خانه معاف باشد برای اینکه آن دزد رفته آنجا چکار بکند

احوال بررسی کنده بیایید قانون شرع را اجرا بکنید من هم حرفی نهدام بیایید دستش را ببرد مگر شرع کفته وقتی که سارقی رفت از يك خانه ای سرفت کرد دستش را وقتی باید ببرند که اسلحه داشته باشد ؟ این جرم داشتن اسلحه و نداشتن نیست جرم دزدی است میگوید بکشید يك آدم عاجز بیچاره ای که نمیتواند زندگي کند مگر اینکه يك آفتابه حلبی از خانه شما بلند کند این را بکشند برای خودش هم بهتر است اینست که من خواهش میکنم از شما که این پیشنهاد را پس بگیرد. و زیاد مقید بآن فکر خودتان هم نباشید تادر مجلس مطرح نشود و رد نشود برای اینکه رد شدنش يك ضرر معنوی مقاومت برآمد که این مقاومت منجر بقتل دزد شد باز هم باید صاحب خانه معاف باشد شما خواهش میکنم که پس بگیرد.

میراشرافی - بنده طبق ماده ۹۰ اجازه خواستم
رئیس - آن بوقع خودش آقای معاون نخست وزیر مطلبی دارید بفرمائید فولادوند) جناب آقای گریبی توجه بکنید اشتباهی برای جنابعالی مقیده بنده رخ داده مجازات سارقین عادی در داد گستر است این لایحه استثناء کرده سارقین مسلح و سارقینی که مرض بناموس اشتباس میکنند در دیوان دادرسی ارتش (گریبی - بنده هم عرض کردم پس بصره را بخوانید) علیهذا درباره این نوع سارقین اگر صاحب خانه در مقام دفاع برآمد و آنها مشروب یا مقتول شدند صاحب خانه از مجازات معاف است نه هر سارقی سارقینی که در ماده واحده تعریف کرده این میروید در دیوان حرب معاکمه میشود.

گریبی - جناب آقای رئیس باینکه بصره این سنی را نمیرساند ولی چون معاون نخست وزیر توضیح داد بنده مسترد میکنم (احست)
(۸) تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه
رئیس - جلسه را ختم میکنم جلسه آینه روز سه شنبه سؤال آقای پیرنیا سؤال آقای بهجانی اعتبارنامه آقای ارباب و آقای ابلیخانی زاده و این دو لایحه جزو دستور است (میراشرافی. جناب آقای رئیس ماده ۹۰ بنده مانده ماده ۹۰ شما محفوظ میماند برای جلسه بعد (مجلس یکساعت و پنج دقیقه بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ایلی - رضاحکمت

سوالات نمایندگان

- ۱ - سؤال راجع به بودجه مقام محترم ریاست مجلس شورای ایلی خواهشمندم بجناب آقای وزیر دارائی اطلاع فرمائید برای پاسخ بسؤالات زیر در مجلس شورای ملی حضور بهم رسانند.
- ۱ - بودجه مخارج سال ۱۳۴۲ و سال های ۱۳۴۱ و ۱۳۴۰ در حدود ده میلیارد ریال بوده است پیشنهاد هفده میلیارد ریال برای سال ۱۳۴۲ چه موجهی دارد؟
- ۲ - برای کسر بودجه که مبلغ آن بیش از شش میلیارد ریال است چه فکری شده است؟
- ۳ - آیا تنظیم چنین بودجه ای لطمه بحیثیت و اعتبار مالی دولت ایران نمی زند؟
- ۴ - آیا تنظیم چنین بودجه ای باعث تقلیل ارزش پول ایران و بالتجربه بالا رفتن قیمتها و تشدید گرانئی نخواهد شد؟
- ۵ - آیا تنظیم چنین بودجه ای تعبیر باینکه دولت ایران برای تأمین بودجه احتیاج بدریافت کمک از خارج دارد نخواهد شد؟
- ۶ - آیا تنظیم چنین بودجه ای لطمه

- بمذاکرات دولت با شرکتهای نفت نخواهد زد و شدت احتیاج دولت بیول موقعیت او را در مقابل این شرکتهای تضمین نخواهد کرد؟
- ۷ - آیا تنظیم چنین بودجه ای دولت ایران را در سیاست خارجی ضعیف جلوه نخواهد داد؟
- ۸ - آیا تنظیم چنین بودجه ای باعث تضعیف دولت از لحاظ سیاست داخلی نخواهد شد؟
- ۹ - آیا محاسبه شده است که درآمد ملی ما سالیانه چه میزان است که باید ۱۷ میلیارد ریال آن بصرف مخارج دستگاه دولت برسد؟
- ۱۰ - آیا محاسبه شده است که از حقوق یک کفتر کارگر ساده که روزی ۳۰ ریال درآمد دارد چقدر مالیات گرفته میشود؟
- ۱۱ - مخارج موسسات سازمان برنامه و سایر شرکتهای و بنکاهای دولتی که در بودجه منظور نشده سالیانه چه مبلغ است؟
- ۱۲ - با عواقب وخیمی که تنظیم چنین بودجه ای از لحاظ سیاسی و اقتصادی دارد آیا بهتر نیست دولت بودجه پیشنهادی را فوری پس گرفته و با نظر متخصصین بودجه مناسب متوازی برای کشور تنظیم و پیشنهاد نماید؟
- دکتر حسین پیرنیا

- ریاست محترم مجلس شورای ایلی استدعا دارد مقرر فرمائید جناب آقای وزیر اقتصاد ملی برای جواب بسؤال زیر بمجلس حاضر شوند.
- از موقع تشکیل این دولت تا بحال چه مقدار پروانه ورود اجناس از خارج داده شده، به اشخاص داده شده، در هفت و اشخاصی که بآنها پروانه داده شده در جلسه علنی بفرمائید
- بهجانی**
ریاست محترم مجلس شورای ایلی خواهشمندم است بدولت اطلاع فرمائید برای جواب پاسخ زیر بمجلس شورای ایلی حاضر شوند.
- س- از آنجائیکه از طرف اعلیحضرت هاپونی موافقت بانقاضای فرجام آقای دکتر مصدق گردیده و این خود نشان می دهد که اعلیحضرت هاپونی مایل هستند برای رفع هرگونه سوء تفاهم ایشان بتوانند از مراحمی که قانون در اختیارشان گذارده استفاده کنند بچه مجوزی تا کنون برخلاف قوانین موجوده از ملاقات و کلای مدافع آقای دکتر مصدق با ایشان جلوگیری بعمل آمده است درخشش جناب آقای رئیس محترم مجلس شورای ملی
- طبق ماده ۱۶۷ آئین نامه تقاضا دارم بجناب آقای وزیر دفاع ملی تذکر ذیل را بدهید:

- طبق تلگرافی که دیروز از آقای حسین یزدانی مقیم بابل بانجناب سید فرماندار نظامی راه آهن شاهی شهر بابل رفته اطافهای منزل پدرش را ناگهانی بازرسی کرده سپس بمورد آقای حسین یزدانی اطلاع داده است طبق ماده ۱۰ قانون حکومت نظامی بازداشت باید بشود نظر باینکه اختیار فرماندار نظامی راه آهن فقط محدود بنقاطی است که راه آهن از آن عبور نماید و در شهر بابل نیز اصولا حکومت نظامی برقرار نیست تذکره کرده شود در صورت سعت این مطلب میتوان گفت این اقدام موافق قانون نیست بنابراین از جناب آقای وزیر دفاع ملی تقاضا دارم بارسه کی فوری باین امر مقرر فرمائید فرماندار نظامی راه آهن شاهی مزاحم مردم مقیم بابل یعنی آقای حسین یزدانی و پدرش نکردد
- همیدی نوری ۲۲-۲۰-۴۴
- ریاست معظم مجلس شورای ایلی خواهشمندم است مقرر فرمائید جناب آقای وزیر دارائی برای پاسخ سؤال ذیل در مدت مقرر در مجلس شورای ملی حضور بهم رسانند. علت آتش زدن انبار کمرک تهران چه بوده و چه مقدار کلای مردم آتش گرفته و مسئول خسارت وارده کیست؟ و آیا مرتکبین تحت تعقیب قرار گرفته اند یا خیر؟
- میراشرافی